

دلالت‌های معنایی فراغت در میان شهروندان شهر اصفهان (یک پژوهش کیفی)*

یاسر رستگار، استادیار، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه هرمزگان، ایران*

محمدتقی ایمان، استاد، بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، ایران

مریم سروش، استادیار، گروه جامعه‌شناسی جهاد دانشگاهی واحد فارس، ایران

سعید ابراهیمی، دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه اصفهان، ایران

چکیده

تفکیک فزاینده میان ساعات کاری و غیرکاری در زندگی مدرن، امکان فراغت بیشتری برای شهروندان فراهم کرده است؛ بنابراین، شیوه گذران آن به یک بحث تأمل‌برانگیز تبدیل شده است. مطالعه حاضر تلاش دارد با اتخاذ رویکرد تفسیری و با به‌کارگیری روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای، این دلالت‌ها و معانی را در بین شهروندان شهر اصفهان شناسایی کند. بدین منظور ۳۳ نفر از شهروندان ساکن شهر اصفهان به روش نمونه‌گیری هدفمند و برحسب مسیر گام‌به‌گام، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، شناسایی و با آنها مصاحبه عمیق انجام شده است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد مهم‌ترین دلالت‌های معنایی فراغت در بین مشارکت‌کنندگان میدان مطالعه شده عبارتند از: فراغت ارتباطی / تکنولوژیک، فراغت خانوادگی، فراغت خانگی، فراغت فردگرایانه، فراغت بی‌برنامه. هر یک از این دلالت‌ها گویای معنای خاصی از فراغت است که الگوهای فراغت افراد را مبتنی بر این شیوه معنادهی شکل دهد. انتزاع این کدها در سطح بالاتر یک مقوله هسته را ساخت و آن فراغت تقلیل‌گرایانه / بی‌هنجار است. این مقوله اشاره می‌کند مشارکت‌کنندگان مطالعه شده، معنایی تقلیل‌گرایانه در ذهن خود، ساخته و فراغت را از معنایی منسجم، برنامه‌ریزی شده، منظم و مستمر در جهت شکوفایی استعدادها به معنایی بی‌شکل، بدون جهت خاص و دم‌دستی از فراغت تقلیل داده‌اند. همچنین، بی‌هنجاربودن فراغت به معنای نوعی سردرگمی و بی‌معنایی نسبت به الگوهای فراغت است. واژه‌های کلیدی: فراغت، مصرف، دلالت‌های معنایی، پژوهش کیفی

* این مقاله از یک طرح پژوهشی با عنوان شناسایی الگوهای سبک زندگی در شهر اصفهان استخراج شده که با حمایت مالی معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی شهرداری شهر اصفهان انجام شده است.

Email: yaser.rastegar62@gmail.com

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۷۱۳۱۰۴۱۹

مقدمه و بیان مسأله

اوقات فراغت، مفهوم جدیدی که محصول جدایی کار از خانه، پیشرفت‌های فناورانه و تقسیم کار اجتماعی است، این فرصت را مهیا کرد که انسان از اجبارها و محدودیت‌های نظم اجتماعی مدرن رها شود (کیوستو، ۱۳۸۰: ۸۰). بدین ترتیب با حرکت به سوی زندگی مدرن، تفکیک فزاینده میان ساعات کاری و غیرکاری را شاهد هستیم؛ از این رو در جوامع جدید، امکان فراغت بیشتری برای افراد فراهم شده و شیوه گذران آن به یک بحث تأمل برانگیز تبدیل شده است. همچنین، عرصه فراغت یکی از عرصه‌های مهمی است که در مطالعات اجتماعی و پژوهش‌های فرهنگی برای شناخت تحولات ارزشی و نگرشی و سبک‌های جدید زندگی به آن توجه می‌شود؛ زیرا این عرصه به دلیل داشتن الزام‌های کمتر و آزادی عمل بیشتر، فضای ایده‌آلی برای بازنمایی ارزش‌ها، نگرش‌ها و ذائقه‌های فرهنگی است (رفعت‌جاه، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

مانند بسیاری از پدیده‌های زندگی، فراغت نیز از شرایط و زمینه‌های گوناگون اجتماعی و اقتصادی متأثر است. عوامل بسیاری بر نوع انتخاب افراد در چگونگی گذران فراغت تأثیرگذارند که یکی از مهم‌ترین عوامل به محیط و شرایطی مرتبط است که فرد در آنها قرار دارد و به عبارتی بافت اجتماعی فرد را شامل می‌شود (تورکیلدسن، ۱۳۸۲: ۱۷۲). بی‌شک، شهر و محیط شهری یکی از مهم‌ترین بستری‌هاست که فراغت به آن گره خورده است. در حقیقت شهر بافتی اجتماعی است که در بالاترین حد تمرکز، قدرت و فرهنگ جامعه است. در این میان فضای شهری و ابعاد مختلف آن به‌ویژه بعد اجتماعی، نمونه بارز و مشخص بافت اجتماعی را شامل می‌شود که بر فراغت فرد تأثیر شگرفی دارد. بخشی از انتقادهایی که امروزه از شهرها به عمل می‌آید نیز متوجه یکنواختی و کسالت‌بار بودن زندگی در شهر و فضاهای شهری است (پورمحمدی، ۱۳۹۰) که گویای اساسی بودن فراغت در شهر است.

فراغت، مفهومی است که همیشه با ابهاماتی همراه بوده است؛ بنابراین، تعاریفی که صاحب‌نظران و پژوهشگران این عرصه ارائه کرده‌اند، بسیار پراکنده، متنوع و گاهی متناقض

است. برای مثال در یک تعریف آمده است، فراغت، مجموعه‌ای از اشتغالاتی است که فرد کاملاً به رضایت خود برای استراحت یا تفریح، توسعه، آموزش غیرانتفاعی، مشارکت اجتماعی داوطلبانه، بعد از آزاد شدن از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی به آن می‌پردازد (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۶: ۲). انتخاب فعالیت فراغت، نشانه‌ای از ارزش‌های فرهنگی و سلیقه فرد است. طبیعی است که گاهی مصرف فرهنگی نیز بخشی از فعالیت فراغت است؛ اما هر فعالیت فراغتی، مصرف فرهنگی نیست و مصرف فرهنگی نیز همواره در اوقات فراغت انجام نمی‌شود (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۲۸)؛ بدین ترتیب، گاهی فراغت در ارتباط با مصرف فرهنگی تعریف می‌شود.

برخی نیز فراغت را به معنای حمایت ذهنی دانسته‌اند که به فرد امکان می‌دهد تا هنگامی که از کار اجتماعات یا تعهدات نسبتاً خانوادگی آزاد است، یک فعالیت ذهنی، تفریحی یا سرگرم‌کننده مطابق با سلیقه خود فراهم کند (قائم و همکاران، ۱۳۸۷). همچنین اوقات فراغت، عرصه ظهور و بروز سبک‌های زندگی است و مفهومی عینی و گویاست که سبک زندگی و در نتیجه، هویت را در گویاترین و محسوس‌ترین شکل خود بیان می‌کند (فکوهی، ۱۳۸۲: ۱۳۷).

بدین ترتیب، اوقات فراغت بیش از همه فعالیت‌های دیگر با سبک زندگی و مفهوم آن ارتباط دارد. با ایجاد جامعه سرمایه‌داری، محل زندگی از محل کار جدا شد و سازمان کار از کار خانوادگی به کار مزدبگیری در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها تغییر کرد؛ بنابراین، زندگی به سه بخش تقسیم شد: کار (اشتغال درآمدزا)، کارهای ضروری روزمره (خواب، خوراک و بهداشت) و اوقات فراغت (رفعت‌جاه، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

اوقات فراغت افراد، گویای دنیای ذهنی، ترجیحات، سلیقه و به‌طور کلی سبک زندگی آنهاست و شناسایی فراغت و معنای آن در بین سوژه‌های انسانی، ما را به دلالت‌هایی رهنمون می‌کند که در پس الگوهای فراغتی است. درباره فراغت، بیشتر پژوهش‌هایی انجام شده که با رویکردی کمی و برون‌نگرانه به الگوهای فراغتی، نگرسته و به تبیین برخی از عوامل مؤثر بر الگوی مصرف فراغتی اشاره داشته است.

می‌کنند، موضوعی است که در یک پژوهش کیفی می‌توان دنبال کرد.

از این رو، فهم دلایل عمیق، پنهانی و ذهنی درباره اینکه افراد و سوژه‌های انسانی چگونه دست به انتخاب الگوی مشخصی از فراغت می‌زنند، نیازمند مطالعه و شناسایی معنای فراغت در زیست‌جهان روزمره افراد است. کشف شیوه‌های معنادهی کنشگران به مفهوم فراغت و شیوه گذران آن، ما را به دلایلی رهنمون می‌کند که افراد در انتخاب این الگوها دارند. بدین ترتیب، پژوهش حاضر در پی آن است تا برخی از مهم‌ترین دلالت‌های معنایی را شناسایی و توصیف کند که شهروندان اصفهان به پدیده فراغت داشته‌اند.

مبانی نظری و مفهومی

ویل، یکی از پژوهشگران این حوزه است که اشاره می‌کند تاریخچه مطالعات فراغت، نشان‌دهنده جستجو برای توضیح الگوهای فراغتی در بین افراد و گروه‌های مختلف بوده است. در دهه ۱۹۶۰، مشارکت در الگوهای فراغتی را صرفاً به متغیرهایی مانند سن، درآمد و طبقه مرتبط می‌کردند. این مطالعات به شیوه کمی و آماری و به سبک اقتصادسنجی انجام می‌گرفت و توضیحات آماری ناکارمندی را نیز ارائه می‌کرد (Veal, 2002: 359).

همان‌طور که گفته شد برداشت‌های متنوع و گاه متفاوتی از فراغت وجود دارد. بهتر است برای فهم دقیق‌تر اصطلاح فراغت، واژگان و مفاهیم مرتبطی مرور شود که به جای فراغت به کار گرفته می‌شود. فراغت، گاهی به جای واژه‌هایی مانند سرگرمی^۱، وقت آزاد^۲، بازی^۳ و ... به کار می‌رود. فراغت همچنین با زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی زندگی در ارتباط است. هنگامی که برخی افراد به فراغت فکر می‌کنند، هم‌زمان به این نیز فکر می‌کنند که چه کاری انجام ندهند. برخی افراد، فراغت را به مثابه دوره‌ای از زمان تلقی می‌کنند که آن را وقت آزاد می‌نامند (Human Kinetics, 2010: 5-6). گفتنی است اصطلاحات فراغت و سرگرمی به‌طور فراوانی به جای یکدیگر

الهام‌پور و پاک‌سرشت (۱۳۸۲)، رفعت‌جاء (۱۳۹۰)، خواجه‌نوری و مقدس (۱۳۸۷)، پهلوان و برزیگر (۱۳۹۰)، معتمدی‌مهر و واقف‌کودهی (۱۳۸۸)، سرایی و سوادیان (۱۳۹۰)، زاهدانی و عزیززی (۱۳۹۱)، ابراهیمی و پطروودی (۱۳۹۰) و بسیاری از پژوهش‌های دیگر از این جمله‌اند. در این پژوهش‌ها تنها سعی بر این بوده است که ارتباط بین برخی متغیرهای اجتماعی را با شیوه گذران اوقات فراغت در بین پاسخ‌گویان نشان دهند.

در مطالعه دیگری که سفیری و مدیری (۱۳۸۹) با عنوان تفاوت‌های جنسیتی در اوقات فراغت انجام داده‌اند، به فراتحلیل موضوع فراغت با محوریت جنسیت پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد میزان فراغت و شیوه گذران آن از جنسیت متأثر است؛ به گونه‌ای که اولویت‌ها و میزان رضایت از فراغت در بین زنان و مردان متفاوت است.

ربانی و شیرینی (۱۳۸۸) در پژوهشی، بحث فراغت و هویت را به دو شیوه کمی و کیفی ارزیابی کردند و تأکید داشتند حوزه فراغت به‌عنوان حوزه‌ای فردی، همچنان محصور در دایره طبقه اجتماعی و جنسیت قرار دارد.

همچنین، پژوهش‌های انگشت شماری در سال‌های اخیر با روش کیفی انجام شده است از جمله پژوهش ایمان و بوستانی (۱۳۸۹) که ارتباط میان فراغت و هویت در میان دانش‌آموزان را بررسی کرده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد فضای رسانه‌ای، تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی به بازاندیشی در هویت مبتنی بر فراغت دانش‌آموزان منجر شده است.

رضایی و محمدی (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی کیفی، نقش ماهواره و اینترنت در شکل‌گیری تجربه‌های فراغتی دانشجویان را واکاوی می‌کنند. مفاهیم کلیدی به‌دست‌آمده از تحلیل مصاحبه با دانشجویان به کارکردهای مقاومتی، فردی‌شدن تجربه فراغت، تجاری‌سازی فراغت و رهایی بخشی ذهنی اشاره دارد.

در حقیقت نگاه و تفسیر سوژه‌ها از فراغت و معنای آن، نکته و بحثی است که کمتر بدان پرداخته شده است. اینکه افراد و شهروندان یک جامعه اساساً چه نگاهی به فراغت و مقولات مرتبط با آن دارند و فراغت را چگونه معنا و تفسیر

¹ recreation

² free time

³ play

فراغت بهتر است به سراغ خود سوژه‌های انسانی رفته و درون‌نگرانه به موضوع نگریسته شود.

فراغت به‌مثابه زمان آزادشدن از کار^۴، فراغت به‌مثابه فعالیت‌ها و درواقع انتخاب نسبتاً آزاد فعالیت‌ها، فراغت به‌مثابه آزادی (از الزامات محدودکننده و آزاردهنده) و تأکید بر آثار اجتماعی و محتوایی فراغت، معناهای دیگری است که به آن نسبت داده‌اند (Henry et al., 2002: 3-10).

مفهوم صنعت - فراغت، مفهوم دیگری است که در متون و ادبیات مربوطه بسیار دیده می‌شود. فراغت و تفریح می‌تواند بدون تجهیزات، ابزارها، برنامه‌ها یا خدمت خاصی رخ دهد؛ اما بیشتر مردم به هنگام فراغت از تسهیلات، امکانات و خدماتی استفاده می‌کنند که صنعت فراغت فراهم آورده است. صنعت فراغت به همه اصناف و گروه‌هایی اطلاق می‌شود که این خدمات را فراهم می‌کنند. این صنعت به‌طور عمده از سه بخش اساسی تشکیل می‌شود:

الف) عمومی یا دولتی: دولت برای عموم مردم فراهم می‌کند و معمولاً رایگان یا با هزینه بسیار کم در اختیار شهروندان قرار می‌گیرد؛ ب) سازمان‌های غیرانتفاعی و نهادهای بدون سود برای کودکان و افراد معلول و بهزیستی و سایر گروه‌های محروم فراهم می‌کنند؛ ج) بخش‌های تجاری یا خصوصی که کاملاً سودآور بوده و جنبه تجاری دارد، مانند برخی استخرها و پارک‌های آبی و مجتمع‌های تفریحی که استفاده از این مکان‌ها به هزینه نسبتاً زیادی از سوی شهروندان نیازمند خواهد بود.

اسمیت، نظریه‌های ویژه‌ای که در زمینه فراغت، متفکران اجتماعی اظهار کرده‌اند را به سه دیدگاه نظری تقسیم می‌کند: نظریه اجتماعی‌شدن، نظریه نقش و پایگاه، نظریه خرده فرهنگ خاص جوانان. نظریه اجتماعی‌شدن، فراغت را جزئی از مجموعه فعالیت‌هایی می‌داند که با آن ایستارها و نگرش‌های لازم برای ورود به بزرگسالی باید آموخته شود. دیدگاه دوم، این دوره را یک دوره موقت و ناپایدار به لحاظ

به کار می‌روند، به‌ویژه هنگامی که فراغت، فعالیتی برای سرگرمی تعریف شود. گاهی اوقات آنچه افراد عنوان می‌کنند که برای فراغت انجام می‌دهند، همان چیزی است که برای سرگرمی به کار می‌گیرند. سرگرمی به‌دلیل داشتن نتایج آگاهانه یا ناآگاهانه انجام می‌شود. برخی افراد نیز اصطلاح بازی را به‌جای فراغت به کار می‌گیرند. به‌هرحال، فراغت به‌طور بسیار وسیعی از شرایط بیرونی افراد متأثر است. موقعیت اجتماعی ما بر مشخصات جمعیت‌شناختی، اجتماع، محیط طبیعی ما و قوانین و سیاست‌های دولت، چگونگی مواجهه ما با فراغت و معنای آن تأثیر می‌گذارد (Ibid: 7,9).

هندرسون^۱ اشاره دارد ترجیحات فردی و شخصی افراد از آثار اجتماعی و فرهنگی بیرونی مستقل نیست. یک زمینه فرهنگی در اینجا دربردارنده نگاه یک‌پارچه‌ای به فراغت است که طی زمان و مکان و در ارتباط با دلالت‌های ذهنی اجتماعی رخ می‌دهد (Henderson et al., 2000). روجک^۲، پژوهشگر شناخته‌شده این عرصه معتقد است فراغت، هرگز از هنجارهای اجتماعی جدا نیست. زمان و مکان فراغت به‌طور پیوسته با کنش‌های افراد در جهان اجتماعیشان ایجاد و بازسازی می‌شود (Rojek, 1989: 4). او معتقد است مرز بین کار و فراغت با تحولات مدرنیته به هم خورده و فروپاشیده است؛ زیرا رسانه‌ها و امکانات جدید این امکان را ایجاد کرده است تا برای خودمان ارزش‌های فراغتی ایجاد کنیم (هریس، ۱۳۹۱: ۲۴۴-۲۴۷).

برخی پژوهشگران معتقدند اصطلاح فراغت از یک منظر جهانی به‌ویژه زبان‌شناختی، مفهومی مسئله‌دار^۳ (پروبلماتیک) است و توصیه می‌کنند اصطلاح فراغت در پژوهش‌هایی به کار برده نشود که در فرهنگ‌های غیرغربی انجام می‌گیرد؛ زیرا فرهنگ‌های گوناگون به‌طور متفاوتی، فراغت را تعریف کرده‌اند و به‌ویژه در یک تفکر خطی اروپایی و آمریکای شمالی به کار گرفته شده و بنابراین مفهومی قوم‌مدارانه است (Human Kinetics, 2010: 11): از این رو برای فهم بهتر معنای

¹ Henderson

² Rojek

³ problematic

⁴ residual time

می‌شوند که در کارشان زیاد فعال نیستند و بیشتر بی‌حوصله هستند. کسانی که شغلشان چندان رضایت‌بخش و خیلی سخت نیست (Parker, 1976).

وین^۷ (1998)، انتقاداتی را بیان کرده که به این دیدگاه وارد شده است. این انتقادات از دو جنبه جنسیتی و اجتماعی صورت گرفته است. دسته اول، انتقاداتی است که فمینیست‌ها بر این تعریف وارد دانسته‌اند. از نظر آنها این سنخ‌بندی از نظر جنسیتی، کور است و اصولاً شامل زنان نمی‌شود. در این معنا زنان اصولاً اوقات فراغت ندارند؛ زیرا بیشتر آنها در کارهای مزدبگیری بیرون از خانه درگیر نیستند و مشغول به کار بی‌مزد خانه‌داری و بچه‌داری هستند؛ در نتیجه، این تعریف از فراغت برای آنها صدق نمی‌کند. دیم^۸ اشاره کرده است به همین دلیل تا وقتی که زنی وارد بازار کار تمام‌وقت نشده باشد، مردان احساس نمی‌کنند زنان به اوقات فراغت و وقت آزاد نیاز دارند و اساساً تجربه زنان از فراغت یک تجربه دست دوم است (Ibid: 28). چالش بعدی به نظریات انتقادی و پست‌مدرن مربوط است. در نظریات انتقادی این اعتقاد وجود دارد که فراغت مفهومی است که با ایجاد کار مزدی در جامعه سرمایه‌داری همراه است. در سنت گرامشی اشاره شده که گسترش هژمونی فرهنگی سرمایه‌داری همراه توسعه فراغت مدرن بوده است که مکتب بیرمگام در مطالعات فرهنگی نیز به این موضوع پرداخته است. استوارت هال^۹ و دنباله‌روان او نقشه‌ای فرهنگی از فعالیت‌های نوجوانان طبقه کارگر تهیه کردند که روش‌هایی را نشان می‌داد که چنین فعالیت‌هایی برخلاف کنترل‌شدگی و قاعده‌مندبودن، شکلی از مقاومت در برابر فرهنگ مسلط را نشان می‌دهد. در این مطالعه، خود فراغت، میدان اصلی تضاد و چالش بوده و در بساختن و شکل دادن هویت‌ها بسیار مهم است. روجک^{۱۰} نیز ارتباط بورژوازی با فراغت را باعث ایجاد شکلی از فراغت

نقش و پایگاه می‌داند و نظریه سوم، خرده فرهنگ جوانان را مستقل از فرهنگ و جامعه و حتی گاه متضاد با آن می‌بیند (مومندی، ۱۳۸۰: ۴۴).

پارکر^۱ (1976) در کتاب خود، رابطه بین کار و فراغت را براساس دو اصطلاح بررسی کرده است:

الف) ترکیب^۲ (درهم آمیزی): تلقی از رابطه کار و فراغت به‌عنوان دو بخش درهم آمیخته زندگی.

ب) قطبی دیدن^۳ (متضادبودن): تلقی از کار و فراغت به‌مثابه دو قطب متضاد از یکدیگر.

او سه الگوی مجزا از فراغت را مطرح می‌کند که در حقیقت براساس تجربه‌های افراد در سر کار به دست آمده است. این سه الگو بر این فرض مبتنی است که فعالیت‌هایی که افراد در حین کار انجام می‌دهند به‌طور مستقیم بر وقت فراغت و زمان خارج از کار را تأثیر می‌گذارد.

الف) الگوی امتداد^۴ (فراغت در امتداد کار): گروهی از افراد وجود دارند که زندگی کاریشان را به ساعت‌های فراغتشان می‌کشاند؛ به‌طورمثال، افراد موفق در حوزه‌های اقتصادی، پزشکان و اساتید موفق دانشگاهی یا فعالان عرصه‌های مدنی.

ب) الگوی تقابل^۵ (فراغت در تضاد با کار): دسته دوم، گروهی از افراد هستند که الگوهای فراغتشان کاملاً با کارشان در تضاد است و بیشتر کسانی هستند که مشاغل سخت را تجربه می‌کنند، مانند کارگران معدن یا کسانی که روی دکل‌های نفتی کار می‌کنند.

ج) الگوی خنثی^۶: افرادی را شامل می‌شود که درباره نوع فعالیت فراغتی رویکرد خنثی دارند که بدان مشغول بوده‌اند. ممکن است که فراغت برای این افراد از کار جدا باشد؛ اما این مسئله برنامه‌ریزی شده نیست. این گروه افرادی را شامل

¹ Parker

² fusion

³ polarity

⁴ stretched

⁵ opposition

⁶ neutrality

⁷ Wynne

⁸ Deem

⁹ S. Hall

¹⁰ Rojek

می‌داند که با کنترل هیجانات و لذت بیشتر همراه است. او معتقد است از راه تحلیل نقش فراغت در مدرنیته و ارتباط آن با هویت بورژوازی، اهمیت فزاینده فراغت در جامعه معاصر را درک می‌شود (Ibid: 28-29).

از نگاه کارکردی، فراغت، نقش‌ها یا کارکردهایی برای نظام اجتماعی بزرگتر ایفا خواهد کرد؛ از جمله پرکردن شکاف بین فرد و نظام اجتماعی. دومایه باتوجه‌به گوناگونی معنای فراغت و فعالیت‌های فراغتی، سه کارکرد برای اوقات فراغت برشمرده است: نخستین هدف و کارکرد اوقات فراغت، استراحت و رفع خستگی است. فراغت این فرصت را به آدمی می‌دهد که خستگی کار را از تن خود بیرون کند؛ زیرا این خستگی مطابق آهنگ طبیعی زیست‌شناسانه انسان به وی تحمیل می‌شود. دومین کارکرد فراغت، تفریح و سرگرمی است. تفریح، دنیایی تازه چه واقعی و خیالی در برابر آدمی می‌گشاید و فرد از خستگی روزانه ناشی از انجام یک رشته فعالیت محدود و تکراری به سوی آن فرار می‌کند. کارکرد سوم این است که فراغت به فرد امکان رشد و خودشکوفایی می‌دهد و برای فرد فرصتی فراهم می‌کند تا کارهای تکراری که نهادهای اجتماعی بر او تحمیل می‌شود، پشت سر گذارد و به حوزه‌ای پا گذارد که در آن نیروهای آفریننده‌اش، آزادانه بتوانند با ارزش‌های مسلط تمدنش به مخالفت برخیزند یا آنها را تقویت کنند (دومایه، ۱۳۸۱: ۱۹).

رابرتس^۱ نیز در این خصوص به چهار کارکرد برای فعالیت‌های فراغتی اشاره کرده است: الف) تحکیم^۲ نظام اجتماعی، ب) عمل کردن به‌عنوان یک سوپاپ اطمینان^۳ برای نظام اجتماعی با آزادکردن استرس‌ها و فشارها، ج) تحکیم بخشی به ارزش‌هایی مثل هدایت، کار گروهی و بازی منصفانه و د) فراهم‌سازی فرصتی در جهت ارتقای مهارت‌های افراد (Roberts, 1999: 23-24).

در میان دیگر اندیشمندان مطرح در این حوزه، وبلن

جایگاه ویژه‌ای دارد. سؤال اساسی وبلن این است که مبنای افتخار، منزلت و جایگاه اجتماعی چیست. پاسخ او به این سؤال، ثروتی است که حاصل کار مستقیم فرد نباشد و به‌صورتی خودنمایانه یا متظاهرانه به نمایش گذاشته شود. او عنوان کرده است «برای به‌دست‌آوردن و حفظ اعتبار فقط داشتن ثروت یا قدرت کافی نیست. ثروت یا قدرت باید نشان داده شود؛ زیرا اعتبار فقط با آشکارکردن آنها به دست می‌آید و نمایش ثروت فقط نشانه‌ای بر اهمیت شخص از نظر دیگران و وسیله حفظ این رابطه نیست؛ بلکه کمتر پیش می‌آید که در ایجاد و حفظ آسودگی خیال شخص فایده‌ای نداشته باشد» (وبلن، ۱۳۸۳: ۸۲). از نظر وبلن در ابتدا فراغت متظاهرانه (اشتغال به کارهای غیرتولیدی) نشان‌دهنده ثروت بود؛ اما در شهر، مصرف متظاهرانه این کارکرد را دارد. وبلن، روش‌های ایجاد تمایز در طبقه مرفه را در کتاب خود آورده است. پایبندی به آداب معاشرت، رعایت رسوم، ادب و وقار، آداب شایستگی و به‌طورکلی شیوه ظاهرشدن در مراسم رسمی و تشریفاتی یکی از این روش‌ها است. (همان: ۹۱-۹۰). وبلن، نوعی مصرف را در زمینه مصرف تظاهری معرفی می‌کند که معمولاً افراد بدون ثروت به نمایندگی افراد ثروتمند و برای نشان‌دادن ثروت آنها انجام می‌دهند و آن مصرف نیابتی است. از نظر او در صورتی که مصرف تظاهری را کسانی انجام دهند که استقلال اقتصادی ندارند و خودشان سر رشته‌دار امور نیستند، با عنوان «تن‌آسایی نیابتی»^۴ دسته‌بندی می‌شوند که در ویژگی‌های شیوه زندگی با طبقه تن‌آسای واقعی تفاوت دارند؛ زیرا هدف آنها نمایش تن‌آسای ارباب است. از نظر وبلن، امروزه در سطوح بالایی سلسله مراتب اجتماعی اینگونه وظایف نیابتی را تنها همسر انجام می‌دهد. این شیوه زندگی در لایه‌های طبقه متوسط هم مشاهده می‌شود. در طبقه متوسط، مرد نمودی از تن‌آسای با خود ندارد؛ اما همسر او برای حفظ اعتبار خانواده به‌ویژه شوهر خود، همچنان وظیفه تن‌آسایی نیابتی را انجام می‌دهد (همان: ۱۰۱-۱۰۰ و ۱۱۹).

¹ Kenneth Roberts

² consolidate

³ safety valve

⁴ vicarious leisure

زندگی روزمره است.

در اینجا تلاش شد تا به مرور به برخی از مهم‌ترین نظریات در باب فراغت پرداخته شود. مرور نظریه به حساسیت نظری پژوهشگر در مفهوم‌سازی داده‌های میدانی کمک می‌کند؛ اما با داده‌ها و تم‌های این پژوهش، ارتباط مستقیم نداشته و قصد پژوهشگر، کشف مفاهیم براساس کدهای تجربی میدان مطالعه‌شده است و کدهای پیشینی نیست.

فراغت در پژوهش حاضر در برابر کار و فعالیت‌های کاری روزانه قرار گرفته است. به عبارتی، وقت‌ها و زمان‌های آزاد و فارغ از برنامه شغلی روزانه را شامل می‌شود. بدیهی است این برداشت از فراغت برای طرح سؤال و نزدیک شدن به جهان ذهنی سوژه‌های مطالعه‌شده است؛ زیرا اساساً قصد پژوهش کیفی، تحمیل هیچ معنای عینی و بیرونی به مشارکت‌کنندگان نیست؛ بلکه هدف کشف این معانی به گونه‌ای است که مصاحبه‌شوندگان و افراد درگیر با آن زیست می‌کنند.

روش‌شناسی پژوهش

روش‌شناسی به‌کاررفته در پژوهش حاضر، نظریه زمینه‌ای و مبتنی بر پارادایم تفسیری است. در این پارادایم به جهان ذهنی افراد نزدیک‌تر شده و از دریچه ذهن آنها به پدیده‌ها نگریسته می‌شود؛ بنابراین، پارادایم تفسیری، سئوالات، ابزارها و تکنیک‌های خاص خود را به همراه دارد. سؤال اساسی مقاله حاضر این است که مشارکت‌کنندگان میدان مطالعه‌شده، اوقات فراغت را چگونه فهم، معنا و تفسیر می‌کنند. به عبارت دیگر، دلالت‌های معنایی چیست که افراد از فراغت در ذهن خود دارند. در پارادایم تفسیری، کنشگران پدیده‌های مختلف زندگی روزمره را ابتدا برای خود تفسیر و تحلیل می‌کنند و برحسب معنایی که به پدیده‌ها می‌دهند، دست به کنش می‌زنند؛ بنابراین در پژوهش حاضر، معناکوی، مهم‌ترین هدف پژوهش به حساب می‌آید.

پژوهش حاضر در شهر اصفهان و در بین شهروندان ساکن

پی‌یر بوردیو نیز مفهوم فراغت را ذیل مفهوم وسیع‌تر سبک زندگی بررسی می‌کند. بدین ترتیب برای فهم دیدگاه او در باب فراغت باید ابتدا ارتباط بین موقعیت‌های اجتماعی و فضای سبک‌های زندگی را شناخت. افراد و گروه‌ها در این فضای اجتماعی براساس دو اصل تمایزپذیر توزیع می‌شوند که عبارتند از سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی. بدین ترتیب که موقعیت افراد برحسب میزان برخورداری از این دو سرمایه مشخص شده است و ابعاد و شاخص‌های سبک زندگی و فراغت آنها نیز شبیه به هم یا متفاوت از یکدیگر خواهد بود. در چارچوب این تحلیل، انواع گوناگون فعالیت‌های اوقات فراغت، فضاها و گوناگونی که این فعالیت‌ها ممکن است در آنها انجام گیرد یا روش‌های مختلف و رویکردهای گوناگونی که شخص ممکن است بپذیرد به او امکان انتخاب می‌دهد و این گزینه‌ها به مواد یا شرایط ویژه‌ای وابسته است که در اختیار خود شخص قرار دارد. او سپس استدلال می‌کند افراد گزینش‌های خود را با توجه به آگاهی‌هایی انجام می‌دهند که درباره گزینه‌های سایر افراد دارند. پاره‌ای فعالیت‌ها، شیوه‌ها و فضاها به آسانی در دسترس هستند؛ حال آنکه پاره‌ای دیگر به‌علت کمیابی، گرانبها، متمایز و به‌نسبت غیرقابل دسترسی هستند. از نظر بوردیو این فرایند تمایز است که سبک‌ها و اوقات فراغت را به حرکت درمی‌آورد و از طریق فعالیت‌های اوقات فراغت بر تحمیل هویت اجتماعی تأکید می‌کند؛ زیرا در این فرایند، افراد می‌خواهند خود را از دیگران متمایز کنند و به برجسته‌کردن خویش بپردازند (هیوود و همکاران، ۱۳۸۱: ۳۲۰).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، دیدگاه و رهیافت‌های متعدد و پراکنده‌ای در باب مفهوم فراغت مطرح شده است. برخی فراغت را براساس کارکردهای آن تحلیل کرده‌اند و برخی دیگر آن را در ارتباط با کار و یا سبک‌های زندگی قرار داده‌اند. برای گروهی از اندیشمندان، فراغت با اجتماعی شدن معنا یافته است و گروهی دیگر آن را ابزاری برای هویت‌یابی قلمداد کرده‌اند. با این همه، آنچه مغفول مانده، معنای فراغت از نقطه نظر و نگاه کنشگران عادی و تجربه‌های زیسته افراد در

این شهر انجام شده است. نمونه‌گیری در پژوهش حاضر هدفمند و با بیشترین تنوع لازم انجام شده است. مشخصات مصاحبه‌شوندگان در قالب جدول زیر آمده است.

جدول ۱- تعداد و مشخصات مصاحبه‌شوندگان

تعداد	جنس	سن	تحصیلات	تعداد	جنس	سن	تحصیلات
۱	زن	۲۶	لیسانس	۱۸	زن	۱۸	پیش‌دانشگاهی
۲	مرد	۱۶	سوم دبیرستان	۱۹	زن	۵۱	دیپلم
۳	مرد	۶۵	لیسانس	۲۰	زن	۲۳	لیسانس
۴	زن	۵۶	دیپلم	۲۱	زن	۴۹	لیسانس
۵	مرد	۲۴	لیسانس	۲۲	مرد	۲۸	لیسانس
۶	مرد	۲۲	لیسانس	۲۳	زن	۲۳	دانشجوی پزشکی
۷	زن	۱۹	لیسانس	۲۴	زن	۴۵	علوم قرآنی
۸	مرد	۲۹	لیسانس	۲۵	مرد	۶۶	سیکل
۹	زن	۴۶	دیپلم	۲۶	مرد	۱۹	دیپلم
۱۰	مرد	۳۰	دیپلم	۲۷	زن	۲۵	لیسانس
۱۱	مرد	۲۸	لیسانس	۲۸	مرد	۲۹	طلبه حوزه
۱۲	زن	۶۰	ششم	۲۹	مرد	۱۷	دبیرستان
۱۳	زن	۵۸	دیپلم	۳۰	زن	۳۹	فوق دیپلم
۱۴	مرد	۳۱	کارشناسی ارشد	۳۱	مرد	۳۲	فوق لیسانس
۱۵	زن	۳۳	دیپلم	۳۲	مرد	۲۸	لیسانس
۱۶	زن	۳۰	کارشناسی ارشد	۳۳	زن	۲۶	لیسانس
۱۷	زن	۲۴	لیسانس				

بدین ترتیب که برحسب نوع مصاحبه‌ها و روایت‌ها گاهی سطر، جمله، پاراگراف و حتی واژگان نیز تحلیل و کدهای اولیه استخراج شده است که کدهایی توصیفی هستند. این کدها برحسب‌هایی هستند که معرف بخشی از داده‌های متنی پژوهش هستند. به عبارتی یک کد، یک خصلت، یک معنا، یک تفسیر یا یک عمل را نمایندگی می‌کند. برای نظم بیشتر و سازماندهی بهتر کدها، یک کدلاگ^۱ ساخته شد و در این کدلاگ همه کدهای اولیه اصلی و فرعی ثبت می‌شد. در حقیقت یک ایندکس از کلیه کدها فراهم شد.

ب) کدگذاری محوری

در مرحله بعد و طی فرایند استقرای تحلیلی، کدهای اولیه و فرعی با یکدیگر ادغام شدند و فرایند انتزاع کدها آغاز شد

به دلیل گستردگی میدان مطالعه‌شده، بدیهی است که از روش‌های مختلف برای دستیابی به سوژه‌ها استفاده شود. دو شیوه مهم، معتبر و شناخته‌شده در دسترس به نمونه‌ها، نمونه‌گیری نظری و گلوله برفی است. بدین ترتیب که از مصاحبه‌شوندگان در معرفی افراد و نمونه‌های دیگر کمک گرفته شده است. همچنین با تحلیل اولیه و مرحله به مرحله داده‌ها، نمونه‌های جدیدتر به لیست مصاحبه‌شوندگان اضافه می‌شد و این کار تا اشباع نظری در همه سطوح اتفاق افتاده است.

تکنیک اساسی تحلیل داده‌ها در نظریه زمینه‌ای، کدگذاری سه مرحله‌ای است. کدگذاری، خلق کردن یک مقوله است که برای توصیف یک ویژگی عام داده‌ها استفاده می‌شود. فرایند کدگذاری در سه مرحله انجام گرفته است:

الف) کدگذاری باز یا مرحله گشایش متن

¹ code log

افراد به محض به‌دست‌آوردن کوچک‌ترین فرصتی، ابزارهای ارتباطی خود را فعال می‌کنند و به تعامل با دیگران روی می‌آورند. در واقع معنای فراغت به شدت به حضور و همراهی دیگران پیوند خورده است. از این رو در پاسخ به نحوه گذران اوقات خود، بلافاصله از تعاملات خود سخن می‌گویند. این ارتباطات معمولاً با افراد بسیار نزدیک، دوستان و اعضای خانواده است و کمک می‌کند اوقات آزاد خود را بهتر سپری کنند؛ زیرا رضایت این افراد در گرو تعامل و ارتباط با دیگران است. نمونه‌هایی از اظهارات مصاحبه‌شوندگان در زیر گویای این شیوه معنادهی است.

زن ۲۳ ساله و بیکار اینگونه اظهار داشته است: به دلیل سرگرمی بیشتری که دارد و می‌توانم با دوستانم ارتباط بیشتری داشته باشم.

همچنین زن ۳۳ ساله، دانشجوی کارشناسی ارشد و بدون شغل در پاسخ به مصاحبه‌گر گفته است: علاوه بر این امکانات زیادی هم وجود دارد، مثلاً می‌تونم به صورت تصویری با دیگران در ارتباط باشی، خیلی راحت عکس، فیلم و آهنگ بفرستی.

زن ۲۶ ساله با تحصیلات کارشناسی نیز اظهاراتی شبیه مصاحبه‌شوندگان قبل داشته است: اغلب اوقات توی خونه بیکارم، واسه همین با دوستانم و خانوادم تو واتس‌آپ و وایبر در تماسم...

اما مهم‌ترین ویژگی این ارتباط این است که به شدت به تکنولوژی و ابزارهای جدید ارتباطی وابسته است. مشارکت‌کنندگان معنای فراغت را با رسانه‌ها و ابزارهای دیجیتال فهم و تفسیر می‌کنند؛ منظور از رسانه‌ها در اینجا صرفاً رسانه‌های دیجیتال مثل تلویزیون، اینترنت، موبایل و چیزهایی از این قبیل است. برای این افراد، رسانه‌ها بخش جدایی‌ناپذیر و حیاتی از فراغت محسوب می‌شوند؛ بنابراین، انتخاب و مصرف رسانه‌های دیجیتالی در اولویت برنامه‌ها و فعالیت‌های فراغتی قرار دارد. جذابیت، در دسترس بودن، سرگرم‌کنندگی فوق‌العاده، پرستیژ اجتماعی، بالابردن خلاقیت

تا کدهایی با سطح انتزاع بالاتر ایجاد شوند. این فرایند انتزاع و به عبارتی تبدیل کدهای اولیه به کدهای محوری با خوانش‌های مکرر مصاحبه‌ها و با مقایسه‌های مداوم میان کدها انجام می‌گیرد. در این فرایند، پژوهشگر کدهای به‌دست‌آمده را بارها با یکدیگر مقایسه می‌کند تا شباهت‌ها، تمایزات و روابط میان کدها را کشف کند و برحسب خصایصی که کدهای اولیه به خود گرفته‌اند، فرایند حذف، ادغام و جداسازی کدها را انجام دهد. کدهای اولیه در این پژوهش، کدهای تجربی هستند و به عبارتی پژوهشگر بدون پیش‌زمینه نظری به سراغ متون مصاحبه می‌رود و در حقیقت این کدها به متن و میدان مطالعه وابسته بوده است و به پژوهش تحمیل نشده‌اند.

ج) کدگذاری گزینشی: فرایند کشف مقولات هسته

در مرحله آخر، پژوهشگر همه کدهای محوری به‌دست‌آمده را در لیستی کنار هم قرار داده است و تلاش می‌کند براساس سؤال اولیه پژوهش در هر بخش، انتزاعی‌ترین و اساسی‌ترین کدی را شناسایی کند که کلیه دلالت‌های معنایی را نمایندگی می‌کند و با طرح سئوالات و نوشتن یادداشت‌های تحلیلی مختلف در نردبان انتزاع بالاتر رود و مقولات هسته را کشف کند.

یافته‌ها

تحلیل داده‌های کیفی مطالعه حاضر نشان می‌دهد پنج دلالت معنایی فراغت در بین شهروندان اصفهان وجود دارد. این دلالت‌ها عبارتند از فراغت ارتباطی / تکنولوژیک، فراغت خانواده محور، فراغت خانگی، فراغت بی‌برنامه و فراغت فردگرایانه.

در ابتدا هر یک از این دلالت‌های اولیه تشریح شده است و در گام بعد به مقولات هسته کشف‌شده پرداخته خواهد شد.

۱- فراغت ارتباطی / تکنولوژیک

این معنا از فراغت را کسانی دنبال می‌کنند که ارتباط و تعامل را محوری‌ترین کار در وقت فراغت خود می‌دانند. این

در وایبر و واتس‌آپ با دوستانم در تماس هستم؛ بنابراین در اولویت‌بندی باید گفت در ابتدا با موبایلم سرگرم هستم و پس از آن به ترتیب با تلویزیون و تلفن.

در تماس‌بودن لزوماً به معنای زنگ‌زدن نیست؛ بلکه این تماس اشکال مختلف مانند کارکرد سرگرم‌کننده به خود گرفته است. به همین دلیل در ادامه از اولویت سرگرمی با موبایل گفته است.

البته در میان این ابزارها به نظر می‌رسد که شاهد چرخش از تلویزیون و ماهواره به سمت تلفن همراه هستیم. برخی از مصاحبه‌شوندگان بر این امر تأکید داشته‌اند که با گسترش استفاده از تلفن‌های همراه هوشمند و به دلیل حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی موبایل محور، نسبت به گذشته کمتر تلویزیون تماشا می‌کنند.

همین فرد در ادامه اظهار داشته: تا قبل از واتس‌آپ و وایبر از ماهواره بیشتر استفاده می‌کردم؛ ولی الآن کمتر ماهواره تماشا می‌کنم.

جذاب‌بودن فضاهای فراغتی مبتنی بر تکنولوژی تا حدی است که فرد اذعان دارد در صورت نبود آن سردرگم خواهد شد و گویی گزینه جایگزینی برای آن نمی‌یابد. مصاحبه‌شونده‌ای اینگونه مطرح کرده است که:

اگه این واتس‌آپ و بقیه شبکه‌ها نباشه واقعاً نمیدونم از بیکاری چیکار کنم... خیلی جذاب و جالبه واقعاً...

همچنین مرد ۳۰ ساله و کارمند یک اداره دولتی از سرگرمی با تلفن همراه خود گفته است: از وقتی این اپلیکیشن‌ها رو روی گوشیم نصب کردم، بیشتر وقتای بیکاریم سرگرمش میشم و از این نظر واسم خوبه... اگه نت قطع باشه واقعاً ضدحاله...

۲- فراغت خانواده محور

خانواده، مفهوم کلیدی و حیاتی دیگری است که به معنای فراغت و فهم آن گره خورده است؛ به طوری که وقتی فرد درباره اوقات آزاد خود سخن می‌گوید اشاره‌های مداومی به خانواده دارد. همراه خانواده‌بودن، در کنار خانواده لذت‌بردن،

و سهولت در ارتباط، ازجمله دلایلی است که رسانه‌ها را برای این افراد در اولویت قرار می‌دهد. در حقیقت، این وسیله تکنولوژیک است که به شما این امکان را می‌دهد تا از وقت‌های خود لذت ببرید و در صورت نبود آن، معنای اوقات فراغت به شدت تقلیل یافته و به ارتباط با یک وسیله محدود می‌شود. در میان همه ابزارهای تولیدکننده فضای مجازی، موبایل جایگاه ویژه و منحصربه‌فردی دارد و یکه‌تاز میدان مجازی قلمداد می‌شود. معنای موبایل به‌ویژه برای مشارکت‌کنندگان جوان، معنایی فراتر از یک ابزار ارتباطی است. به عبارتی موبایل، دیگر یک ابزار صوتی ارتباطی نیست؛ بلکه گزینه‌های متنوعی برای سرگرمی در اختیار کاربران قرار می‌دهد. موبایل، وقت‌های آزاد افراد را به راحتی و به خوبی هرچه تمام‌تر پر می‌کند و چنان جذاب و سرگرم‌کننده است که افراد را ساعت‌ها مشغول خود می‌کند. شاید برقراری ارتباط صوتی با افراد دیگر، حالا به بخش کوچکی از کارکرد موبایل تبدیل شده است و ارتباطات در سطحی بسیار وسیع‌تر دنبال می‌شود. همچنین، موبایل به دلیل در دسترس‌بودن به شدت رونق یافته است و افراد در وقت‌های آزاد خود وقت زیادی را با آن سپری می‌کنند. حضور بی‌رقیب موبایل‌های هوشمند به‌ویژه پس از گسترش نرم‌افزارهای چت، مانند واتس‌آپ، وایبر و ... باعث شده است تا برای برخی ماهواره، جایگاه خود را به شدت از دست بدهد.

این افراد، مهم‌ترین چیزی که با شنیدن فراغت روی آن تأکید داشتند، ابزارهای رسانه‌ای و تکنولوژیک ازجمله تلویزیون، ماهواره، تلفن همراه و چیزهایی از این قبیل بوده است. به نظر می‌رسد برای این دلالت فراغتی، دم‌دستی‌ترین و البته بهترین شکل فراغت، فراغتی است که به هریک از این ابزارها گره خورده است.

مرد ۲۸ ساله‌ای با مدرک لیسانس که در یک شرکت خصوصی کار می‌کند، درباره فعالیت فراغتیش از اولویت این ابزارهای ارتباطی صحبت کرده است: در خانه بیشتر تلویزیون و ماهواره می‌بینم و با تلفن صحبت می‌کنم؛ اما بیشتر از اینها

فردگرایانه ترجیح می‌دهند. زن ۳۹ ساله با مدرک دیپلم و خانه‌دار از این ترجیح سخن گفته است: وقتی آزادم رو سعی می‌کنم کنار خانواده باشم، چون از همه جا برام بهتره.

از این رو به محض پرسش درباره انتخاب افرادی برای گذران فراغت بلافاصله نزدیکان خانوادگی به ذهنش می‌آید و آن را شکلی عام و همیشگی به تصویر می‌کشد. زن ۲۵ ساله و مدرس یک آموزشگاه در این باره اظهار داشته است: من معمولاً با فامیلاهای نزدیکم مثلاً دختر خالم اینور و اونور میرم... آخر هفته‌ها هم که خانواده‌ها دور هم جمع میشیم و معمولاً هر جا بریم با هم هستیم.

مرد ۲۸ ساله که در یک کلینیک، مددکار است به همین ترجیح و دلیل آن اشاره داشته است: چون محیطش صمیمی‌تر هست و بیرون هم دوست به اون صورت ندارم که بخوام باهاش رفت و آمد کنم... زیاد هم قابل اعتماد نیستن...

۳- فراغت خانگی

برای برخی از زنان معنای دیگری از فراغت مطرح است که در اینجا فراغت خانگی نامیده شده است. منظور از این افراد، زنان متأهلی هستند که درباره اوقات فراغت خود در خانه سخن گفته‌اند که شاغل یا بیکار بوده‌اند. فراغت خانگی به معنایی از فراغت اشاره دارد که به امور داخلی خانه و خانه‌داری مربوط است؛ از جمله مرتب‌کردن خانه، خیاطی کردن، جابه‌جا کردن وسایل و تغییر چیدمان خانه و کارهایی از این قبیل که وقت فراغت به یاد آنها می‌افتند.

در حقیقت آنها پس از انجام امورات اساسی و ضروری خانه‌داری، وقت‌های آزاد خود را نیز با امور خانه‌داری البته در سطحی دیگر دنبال می‌کنند؛ مثلاً خیاطی کردن یا تغییر چیدمان منزل، فعالیت لذت‌بخش و سرگرم‌کننده محسوب می‌شود که در برابر فعالیت‌های ضروری و خسته‌کننده هر روزه است. حتی دسته‌ای از زنان تحصیل کرده‌تر نیز از رسانه‌های جدید مثل اینترنت، بیشتر برای امور مربوط به خانه‌داری استفاده می‌کنند و به دنبال این هستند که اطلاعات دقیق‌تر و جدیدی نسبت به امور خانه‌داری کسب کنند. این امر در حقیقت نوعی

با خانواده سفر رفتن و سایر فعالیت‌های خانوادگی به شدت اهمیت دارند. چیزی که این نوع معنادهی به فراغت را برای فرد ایجاد می‌کند، ارتباطات و تعاملات نزدیک عاطفی و امن با اعضای خانواده است که این شیوه معنادهی را تقویت می‌کند. دلالت محوری خانواده در اینجا گویای این است که برای برخی از مشارکت‌کنندگان، مفهوم فراغت تنها با فضای ارتباطی خانواده فهم و تفسیر می‌شود. او نمی‌تواند فراغت‌های مستقل از خانواده را تصور کند و بنابراین، از فراغت تنها و منفرد، گریزان است. بدین ترتیب، لذت‌بردن از وقت‌های فراغت از کار در کنار نزدیکان رقم می‌خورد. برای برخی افراد، فراغت، فرصتی برای تعاملات بیشتر با اعضای خانواده است. فراغتی که کارکردهای وحدت‌بخشی نیز به همراه داشته باشد. گاهی این معنا از فراغت به دلیل این است که در بیرون از خانواده، فرد، تنش، اضطراب و بی‌اعتمادی را تجربه می‌کند. چنین فردی وقتی در محیط کار مثل بازار و فضای جدی و اقتصادی خارج از محیط خانواده قرار دارد، مدام درگیر استرس‌ها و فشارهای کاری روزمره است. در چنین موقعیتی، بدیهی است که فرد به هنگام فراغت و آسودگی، خانواده را برای دوری از تنش‌ها انتخاب می‌کند؛ بنابراین، خانواده را به انتخاب فراغتی مطمئن و امن تبدیل می‌کند.

زن ۴۹ ساله و کارمند، درباره وقت فراغت خود اینگونه پاسخ داده است: تنهایی را دوست ندارم، خانواده است که برای آدم می‌مونه. دوستان هم اگه فرصتی باشه تو یه روز کاری، بعد از انجام کارها مثلاً دیدن دوستی باشه، زایمان کرده باشه که بریم با دوستان؛ ولی روزهای تعطیل بیشتر با فامیل هستیم. بیشتر لذت می‌برم.

مهم در اینجا ارجاعی است که مصاحبه‌شونده به خانواده خود می‌دهد و از ترجیح خود سخن گفته است. در حقیقت جزئیات کنش‌های فراغتی ذیل موقعیت و معنایی بنیادی‌تر به نام خانواده قرار می‌گیرد.

بدین ترتیب، این افراد در مجموع، خانواده را به سایر موقعیت‌های فراغتی مثل ارتباط با دوستان یا فراغت

لذت‌بردن در فضای محدود خانه تلقی می‌شود.

بخشی از این دلالت، به این امر مرتبط است که فضای خانه یک فضای مصرفی است. بخشی اساسی از آنچه الگوی مصرف در زندگی روزمره افراد را شکل می‌دهد، به لوازم خانه و تجهیزات، دکوراسیون خانه، چیدمان منزل و ... مربوط می‌شود. زن‌ها نگاهی زیبایی‌شناختی به خانه دارند و بخشی از سلیقه و ذائقه مصرفی و فرهنگی خود را در درون خانه جستجو می‌کنند و به ظهور می‌رسانند. تلاش برای یافتن بهترین سبک چیدمان وسایل، شناخت سبک و دیزاین‌ها، دکوراسیون، آشنایی با ابزارها و تجهیزات به‌روز و کاربردهای آنها در خانه بخشی از آن چیزی است که شکل فراغت به خود می‌گیرد و الگویی خاص را ایجاد می‌کند. زنان، وقت بسیاری را در خانه می‌گذرانند؛ بنابراین، آن را از مکانی خسته و فاقد جذابیت به مکانی فراغتی و زیبایی‌شناختی بدل می‌کنند.

زن کارمند ۴۶ ساله در این خصوص نقل کرده است: دوست دارم دستور پخت غذاهای مختلف رو یاد بگیرم؛ واسه همین تو وقتی که کار خونه تموم میشه برنامه‌های آشپزی می‌بینم.

با اتمام کارهای جدی روزانه در خانه، فراغت خانگی آغاز می‌شود. در اینجا منظور از کار خانه، کارهای روتین روزانه است که برای هر زن باتوجه‌به شاغل یا بیکاربودن، فرزندداشتن یا نداشتن و برحسب موقعیت‌های مختلف متفاوت است؛ بنابراین، آشپزی کردن به شکل روزانه، کاری جدی و غیرفراغتی است؛ اما دیدن برنامه آشپزی، فراغت محسوب می‌شود. بحث اساسی در اینجا محوریت مفهوم خانه است. این معنا از فراغت مدام ارجاعی به این مکان دارد و در بین اظهارات مصاحبه‌شوندگان نقشی کلیدی بازی می‌کند؛ از این رو "بافتنی کردن" یا "پرورش گل‌ها" یا "پخت کیک و شیرینی" که در بین گفته‌های زنان زیاد آمده، معنایی کاملاً فراغتی به خود گرفته است و از تجربه‌های لذت‌بخش آنها در خانه حکایت دارد.

جستجو برای رفع مشکلات خانه‌داری در اینترنت، مورد دیگری در تأیید این معنای فراغت است. زن ۴۵ ساله و معلم درباره استفاده از اینترنت گفته است: الان تو اینترنت راجع به همه چی مطلب هست... به محض اینکه وقت گیر بیارم درباره کارهای خونه سرچ می‌کنم... مثلاً همین دیروز درباره تمیزکردن شیرآلات به مطلب جالب دیدم... این کارا رو خیلی دوس دارم...

زن ۳۰ ساله نیز در این باره می‌گوید: من لذت می‌برم از اینکه دیزاین‌های مختلف خونه‌ها رو می‌بینم... چون ایده می‌گیرم برای خونه خودم...

۴- فراغت بی‌برنامه

بیشتر مشارکت‌کنندگان، بدون هرگونه برنامه و زمان‌بندی ویژه برای فعالیت‌های فراغتی خود هستند و فعالیت مشخص و برنامه‌ریزی‌شده‌ای در اوقات فراغت خود ندارند. به عبارت دیگر فراغت را بدون برنامه فهم می‌کنند؛ زیرا آن را مترادف با وقت‌های پراکنده‌ای در نظر گرفتند که در لحظه به چگونگی گذراندن آن تصمیم می‌گیرند؛ از این رو بیشتر فعالیت‌های فراغتی تنها لحظاتی پس از شروع وقت آزاد انتخاب و انجام می‌شود. بدیهی است وقتی هیچ برنامه‌ای از قبل وجود نداشته باشد، آسان‌ترین کار برای پرکردن اوقات فراغت انتخاب می‌شود. مقایسه دائم گدهای به‌دست‌آمده نشان می‌دهد این معنا از فراغت با سایر دلالت‌ها تفاوت دارد. وجه تمایز این محور، این است که وجه فعالانه در این بخش وجود ندارد و فرد در تجربه‌های خود به هیچ فعالیتی ارجاع نمی‌دهد.

مرد ۲۸ ساله‌ای که به دلیل مشغله زیاد، خواب و استراحت را در وقت فراغت ترجیح می‌دهد و برنامه خاصی برای گذران وقتش ندارد: الان اوقات فراغتم بیشتر می‌خوابم، استراحت می‌کنم، کم می‌شه تفریح برم. بیشتر خونه هستم و استراحت می‌کنم، تلویزیون می‌بینم.

عموماً این افراد وقتی در معرض پرسش از فراغت قرار می‌گیرند به فکر فرو می‌روند و گویی با وضعیتی مبهم روبه‌رو

گسترش عرصه خصوصی و اهمیت یافتن فراغت در موقعیت‌های خصوصی و تنهایی است. بدیهی است این مفهوم در گروه‌های سنی جوان‌تر بیشتر مطرح بوده است و در گروه‌های میان‌سال و بالاتر، کمتر بر معناهای فردی و خصوصی از فراغت تأکید داشته‌اند. تجربه‌های نه‌چندان موفق جوانان و نوجوانان از فراغت‌های جمعی و خانوادگی، نبود درک مشترک در میان نسل‌های مختلف، تجربه‌های پنهانی و لذت‌بخش در فضاهای خصوصی و گسترش و تقویت عرصه‌های خصوصی در زندگی افراد، چنین شیوه معنادهی به فراغت را برجسته کرده است. در حقیقت فراغت‌های خصوصی و فردگرایانه، لذت و رضایت‌خاطر بیشتری برای مصرف‌کنندگان این سبک از فراغت به همراه داشته و بنابراین، آنها در تلاشند تا چنین موقعیت‌هایی برای خود بسازند.

وجه تمایز این معنا از فراغت با فراغت فناورانه این است که در فراغت فناورانه، فردیت اهمیت ندارد؛ به عبارتی دال محوری سازنده این مفهوم، وابستگی به خود این ابزارها و ارتباط با دیگران است. در حقیقت فناوری برای این افراد، لذت ارتباط با دیگران را به همراه دارد و فراغتی مجازی اما جمع‌گرایانه است و به حضور افراد دیگر مرتبط است؛ اما در فراغت فردگرایانه بر تمایلات، سلاقی و اعتقادات شخصی و فردی صاحب‌شوندگان تأکید شده است. در اینجا وجود داشتن یا نداشتن فناوری و ابزارهای تکنولوژیک در بساخت این نوع از فراغت جای چندانی ندارد.

به همین دلیل برای برخی، مزاحمت و دورویی، دلیل فاصله‌گیری از فراغت‌های جمعی است. مرد ۱۹ ساله یکی از همین افراد است: چون دوست ندارم کسی مزاحم بشه، خانواده، کارها را به هم می‌ریزند... چون از آدم‌هایی که دور و برم هستند زیاد خوشم نمیاد.

زن ۲۶ ساله که لیسانس دارد از دورویی افراد گفته است؛ بنابراین، او نیز تنهایی را ترجیح می‌دهد: آدم‌های دورویی هستند، هر دقیقه به حرفی می‌زنند. اصلاً از رفتارشان خوشم نمیاد... واسه همین بیشتر دوس دارم تنها باشم تو این جور

شده‌اند. به همین دلیل از سردرگمی و بلا تکلیفی در چنین موقعیت‌هایی گفته‌اند:

در زمان حاضر برنامه خاصی را دنبال نمی‌کنم. به‌طور گذرا آن را نگاه می‌کنم. اگر برنامه‌ای توجهم را جلب کرد تماشا می‌کنم در غیر این صورت شبکه را عوض می‌کنم.

این سردرگمی برای افرادی که شاغل نیستند به شکل دیگری مطرح شده است. زن ۵۶ ساله با مدرک دیپلم و خانه‌دار، اینگونه اظهار داشته: من چون خانه‌دار هستم و سر کار نمی‌روم، برنامه منظمی برای اوقات فراغتم ندارم؛ ولی ممکنه خرید باشه، وقتی بچه‌ها بیرون میرن به وجود من نیاز باشه که مثلاً نظر بدم راجع به لباس خریدن، تفریحی باشه... چیزای این جوری.

مصاحبه‌شونده‌ای درخصوص مصرف موسیقی در اوقات فراغت به نحو دیگری به همین بی‌برنامه‌بودن و منفعل بودن اشاره کرده است. او که مرد ۲۲ ساله و دانشجو است، درباره مصرف موسیقی در وقت‌های آزاد خود نقل کرده است: موسیقی هم خیلی شنونده حرفه‌ای نیستم. در حدی که همه آدم‌ها گوش میدن؛ مثلاً تو ماشین، این جوری نیست که اوقات فراغتم را بخوام گوش بدم، خیلی عمومی‌تر گوش میدم.

پسر ۱۷ ساله و دانش‌آموز درباره سلیقه خود اظهار داشته است: فیلم زیاد می‌بینم، موسیقی گوش میدم؛ ولی این جوری نیس که از قبل دنبال یه فیلم خاص باشم... معمولاً هرچی بچه‌ها برام بیارن نگاه می‌کنم یا گوش میدم.

زن ۲۳ ساله که بیکاری را دلیلی بر وجود وقت فراغت زیاد خود می‌داند، اما او نیز از نوعی بی‌برنامگی سخن گفته است: کلاً آدم بیکار همیشه اوقات فراغتش هست... معمولاً بیرون میرم... برنامه خاصی ندارم؛ ولی این که برنامه خاصی باشه که حتماً خودم را مقید به انجامش بدونم نه، این‌طوری نیست.

۵- فراغت فردگرایانه

فردی شدن هم به معنای فاصله‌گیری از فضای عمومی و نداشتن تعامل و ارتباط با این فضا است و هم به معنای

فعالیت‌ها.

مصاحبه‌شونده دیگری نیز اینگونه اظهار داشته است که:

چون همه مزاحم میشن، همه می‌خوان پیرسن چی کار می‌کنی. می‌خوان خودشون را مقایسه کنند. نکنه تو داری کاری می‌کنی که از اونا جلو بزنی، تازه اگه هدفتم هم بگی می‌خوان بگن این نمی‌شه و هدفتم را خراب می‌کنند.

دختر ۲۶ ساله‌ای بر اهمیت خود در فراغت به‌گونه‌ای دیگر اظهار داشته است:

من دوس دارم خودم واسه خودم برنامه‌ریزی کنم؛ چون به نظر من اگر بهم بگن اینکارو انجام بده دیگه فراغتی توش نیست. واسه همینم اصلاً دوس ندارم با دیگران برم تفریح یا کاری انجام بدم.

اختلافات فکری و سلیقه‌ای نیز به ترجیح این سبک از فراغت منجر می‌شود. نوجوان ۱۶ ساله‌ای که دانش‌آموز است از اختلاف خود با خانواده در شیوه گذران فراغت خود گفته است:

اخلاقم با اونها هم‌سنگ نیست؛ یعنی تو به سطح نیست. اگه باهاشون باشم تفریح اونها را هم خراب می‌کنم. سعی می‌کنم بیرون نرم حتی اگه اونها هم میرن بیرون من خودم تنها میرم.

نتیجه‌گیری

پس از تحلیل داده‌ها در سطح کدگذاری باز و محوری، آخرین مرحله، کشف مقولات هسته یا نهایی با کدگذاری گزینشی است. مقایسه مداوم پنج کد محوری ارائه‌شده در بالا، در نهایت به کشف دو مقوله هسته منتهی شد. این دو مقوله در حقیقت معنای فراغت در میدان مطالعه‌شده را نمایندگی می‌کنند.

مقولات هسته: فراغت تقلیل‌گرایانه / فراغت بی‌هنجار

یکی از محوری‌ترین تم‌ها و مفاهیم مستخرج از تحلیل داده‌ها در حوزه فراغت به معنای تقلیل‌گرایانه‌ای مربوط می‌شود که مشارکت‌کنندگان در مطالعه حاضر از فراغت و

فعالیت‌های فراغتی داشته‌اند. بدین ترتیب آنچه شهروندان و مشارکت‌کنندگان در گروه‌های مختلف سنی و جنسی و حتی با تحصیلات بالا از فراغت فهم می‌کنند، بیشتر شبیه وقت‌های بیکاری و سرگرمی‌های روزانه است. در حقیقت فراغت از معنای کامل و عمیق خود که به فعالیت‌های برنامه‌ریزی‌شده برای خودشکوفایی و رشد و تعالی مربوط است به معنایی مانند سرگرمی صرف و فعالیت‌های عادی و بدون برنامه تقلیل یافته است.

تقلیل دیگری که در اینجا کشف شده به این معنی است که فراغت، صرفاً فعالیت‌های تفریحی و لذت‌گرایانه تلقی شده است که به هیچ کوشش و تلاشی نیازمند نیست؛ درحالی‌که فراغت در کنار ابعاد فرح‌بخش و با نشاط خود به نوعی جدیت، ممارست و تمرین نیز نیازمند است. یک فرد که فراغت خود را با یک کلاس آموزشی پر می‌کند، فردی است که معنای جدی‌تری از فراغت در ذهن دارد. در مجموع دو شیوه تقلیل‌گرایانه معنادهی به مفهوم فراغت عبارتند از: فراغت صرفاً یک سرگرمی است و فراغت به کوشش و فعالیت ویژه‌ای نیازمند نیست.

اما فراغت بی‌هنجار، گویای نوعی سرگردانی و ابهام کنشگران در انتخاب سلاقی و الگوهای فراغتی است. بیکاری و داشتن وقت آزاد اجباری و همچنین دسترسی نداشتن به امکانات و زیرساخت‌های لازم برای گذران اوقات فراغت، آنها را در موقعیتی قرار می‌دهد که به انتخاب‌هایی ناگزیر می‌شوند که خود، آنها را چندان مطلوب نمی‌دانند و صرفاً برای رفع بیکاری انجام می‌دهند. گفتنی است نوعی فراغت اجباری به فرد تحمیل می‌شود. در اینجا فراغت در مقابل کار تعریف نمی‌شود و اینگونه نیست که در مقابل تلاش جدی و فعالیت مستمر و خسته‌کننده، یک وقت فراغتی حاصل شود و فرد با علاقه و ولع تمام به آن روی بیاورد؛ بلکه فراغتی دم‌دستی است که همیشه در اختیار فرد است و بنابراین، آن ارزش و مطلوبیت لازم را ندارد. در این وضعیت، فرد دچار سرگردانی است و بی‌هدف در پی گزینه‌های مختلفی می‌شود

مصرف کنندگی را بازنمایی می‌کند تا تولیدکنندگی. بنابراین، فعالیت‌های فراغتی از حوزه‌های عمل خلاق و تعالی‌بخش به سرگرمی و وقت‌گذرانی فروکاسته شده است و عموم افراد خود را در موقعیتی به تصویر کشیده‌اند که گویی ناگزیر به انتخاب چنین سرگرمی‌ها و فعالیت‌های منفعلانه هستند؛ بنابراین، گریزناپذیری و سرگردانی و همچنین تقلیل‌گرایی و انفعال، تصویری از وضعیت فراغت در میدان مطالعه‌شده را نشان می‌دهد.

منابع

ابراهیمی، ق.ع. و مسلمی پطروودی، ر. (۱۳۹۰). «اوقات فراغت سرمایه فرهنگی و زنان»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، ش ۴، ص ۹۱-۷۳.

الهام‌پور، ح. و پاک سرشت، م.ج. (۱۳۸۲). «بررسی الگوی گذران اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه شهید چمران»، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، سال دهم، ش ۳ و ۴، ص ۶۲-۳۹.

ایمان، م.ت. و بوستانی، د. (۱۳۸۹). «تحلیل کیفی پیوند فراغت و هویت در میان دانش‌آموزان دبیرستانی شیراز»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۱۶، ص ۳۶-۱.

پهلوان، م. و برزیگر، ف. (۱۳۹۰). «بررسی گرایش به نحوه گذران اوقات فراغت در بین دختران مقطع متوسطه شهرستان آمل»، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، ش ۳، ص ۶۶-۵۳.

پورمحمدی، م.ر. و سبحانی، ز. (۱۳۹۰). «اوقات فراغت و فضاهای شهری تهران»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی، دوره ۱۶، ش ۳۵، ص ۷۶-۴۹.

تورکیل‌دسن، ج. (۱۳۸۲). «اوقات فراغت و نیازهای مردم، ترجمه: اردکانیان، ع. و حسینی، ع.، تهران: انتشارات نوربخش.

خواجه‌نوری، ب. و مقدس، ع.ا. (۱۳۸۷). «بررسی عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر میزان گذران اوقات

تا وقت خود را بگذرانند. در حقیقت بی‌هنجاربودن فراغت از بلا تکلیفی سوژه‌ها حکایت دارد. سوژه‌هایی که بیشتر درباب فراغت به‌طور جدی فکر نمی‌کنند؛ در نتیجه به هنگام اظهارنظر درباره الگوهای فراغت، معنایی چندپاره، غیرمنسجم و غیرهدفمند از فراغت را بازگو می‌کنند. به عبارتی فعالیت‌ها، علایق و الگوهای برسازنده فراغت در میان افراد به شدت پراکنده و بدون معانی مشخص و مرزبندی شده است. بخش دیگری از آنچه مفهوم فراغت بی‌هنجار، آن را نمایندگی می‌کند به نبود امکانات و ابزارهای فراغتی در شهر باز می‌شود. نبود امکانات و فضاهای فراغتی جذاب و کافی (حداقل به شکل ذهنی) آنها را در موقعیتی اضطرارگونه قرار می‌دهد. به همین دلیل خود را ناچار به انتخاب برخی الگوهای فراغتی می‌بینند.

ویژگی هر دوی این دلالت‌های محوری، انفعال است. انفعال در برابر خلاقیت و تولیدکنندگی و پویای اجتماعی قرار می‌گیرد و گویای وضعیتی است که در آن کنشگران نسبت به فراغت و الگوهای آن منفعلانه عمل می‌کنند و خود را متأثر از فضای موجود یا موقعیت‌های شخصی خود در زندگی روزمره می‌دانند. آنان نمی‌توانند برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشند؛ چون به شدت درگیر فعالیت‌های فراغتی دم‌دستی، پراکنده و سرگرم‌کننده‌اند؛ بنابراین، به‌جای آنکه به سراغ فعالیت هدفمند بروند، این سبک‌های جدید فراغتی است که آنها را دربرگرفته و در موقعیتی گریزناپذیر به انتخاب قرار داده است.

این انفعال و تأثیرپذیری در دلالت‌های محوری و مرکزی از معنای فراغت و همچنین در جزئیات و اجزای آن نیز هویدا و آشکار است. به‌طورمثال به‌دلیل تنوع شگفت‌انگیز محصولات فرهنگی عرضه‌شده در فضای رسانه‌ای و مجازی از شبکه‌های ماهواره‌ای تا اینترنت و تلفن همراه، امکان انتخاب‌ها و ترکیبات سلیقه‌ای زیادی وجود دارد که خلاقیت استفاده‌کننده را ناگزیر می‌کند؛ اما محورهای معنایی در این انتخاب‌ها بیشتر انفعال را نشان می‌دهند تا خلاقیت و بیشتر

- فراغت»، پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی، ش ۲۹، ص ۱۵۶-۱۳۳.
- دومازیه، ژ. (۱۳۸۱). «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی فراغت»، خانواده، آموزش و فرهنگ (مجموعه مقالات)، ترجمه آدینه، م. و اسدی، ع.، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ربانی، ر. و شیرینی، ح. (۱۳۸۸). «اوقات فراغت و هویت اجتماعی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، ش ۸، ص ۲۴۲-۲۰۹.
- رضایی، ا. و محمدی، ن. (۱۳۹۳). «رسانه مدرن و درک معنایی از تجربه فراغت»، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، س ۱۵، ش ۲۷، ص ۱۸۴-۱۶۳.
- رفعت‌جابه، م. (۱۳۹۰). «فراغت و ارزش‌های فرهنگی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره چهارم، ش ۱، ص ۱۹۰-۱۵۱.
- زاهدانی، س. و عزیزی، ج. (۱۳۹۱). «تأثیر فضای اجتماعی شهر بر گذران فراغت جوانان باتأکید بر فعالیت‌های اجتماعی»، مطالعات شهری، س ۲، ش ۳، ص ۱۰۸-۸۳.
- سرایبی، ح. و سوادیان، پ. (۱۳۹۰). «اوقات فراغت در گذر نسل‌ها»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی در ایران، س ۴، ش ۱، ص ۲۳-۷.
- سعیدی رضوانی، ن. و سینه‌چی، پ. (۱۳۸۶). «مشهد و اوقات فراغت»، فصلنامه جستارهای شهرسازی، ش ۲۲-۲۳، ص ۱-۶.
- سفیری، خ. و مدیری، ف. (۱۳۸۹). «تفاوت‌های جنسیتی در اوقات فراغت»، تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، ش ۵۹، ص ۱۷۰-۱۴۷.
- فاضلی، م. (۱۳۸۲). «مصرف و سبک زندگی، قم: صبح صادق.
- فکوهی، ن. و مهابادی، ف. (۱۳۸۲). «اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی»، نامه انسان‌شناسی، ش ۴، ص ۸۹-۶۱.
- فانم، ح؛ صالحی، م. و بیگی، م. (۱۳۸۷). بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت و هم‌پسته‌ای آن در دانشجویان علوم پزشکی شیراز، طرح مصوب دانشگاه علوم پزشکی شیراز.
- کیوتسو، پ. (۱۳۸۰). اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه: محسنی، م.، تهران: نشر نی.
- معمدی‌مهر، ا. و واقف کوهی، م. (۱۳۸۸). «مطالعه تطبیقی گذران اوقات فراغت جوانان شهر صومعه سرا»، فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی، س ۴، ش ۹، ص ۲۲۵-۲۱۱.
- موموندی، ا. (۱۳۸۰). بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان شهر ورامین، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران.
- وبلن، ت. (۱۳۸۳). نظریه طبقه مرفه، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- هریس، د. (۱۳۹۱). مفاهیم کلیدی در مطالعات فراغت، ترجمه: ذکایی، م.س. و چاوشیان، س.، تهران: انتشارات تیسنا.
- هیوود، ل. اسپینک، ج.؛ کاپنهارست، ج.؛ کیو، ف. و هنری، ی. (۱۳۸۱). اوقات فراغت، ترجمه: احسانی، م.، تهران: امید دانش.
- Henderson, K. & Bialeschki, D. (2000) *Evaluating Leisure Services*, College Station: Venture.
- Henry, I. Haywood, I & Kew, F. (2002) *Understanding leisure*, London: Stanley Thornes.
- Human, K. (2010) *Dimension of Leisure for Life*, United States of America: Human Kinetics.
- Parker, S. (1976) *The Sociology of Leisure*, Allen & Unwin, London.
- Roberts, K. (1999) *Leisure in Contemporary Society*, London: CABI.
- Rojek, C. (1989) *Leisure for Leisure: Critical Essays*, Macmillan, London.
- Veal, A. (2002) "Leisure Culture and Lifestyle", *Society and Leisure*, 24(2):359-376.
- Wynne, D. (1998) *Leisure, Lifestyle and the New Middle Class*, Routledge, London & New York.